



Exchange of State Orders Durign Two Visits of European Countries by Mozzafar al-Din Shah

Marjan Rezaei¹ | Morteza Dehghannejad² | Mostafa Pirmoradian³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract

Purpose: Investigates the importance of exchange of State Orders during the two visits by Mozzafar al-Din Shah (r. 1896 -1907) to Europe.

Method and Research Design: Data is collected from archival materials held at the Iranian Ministry of Foreign Affairs and National Archives of Iran, as well as library resources.

Findings and conclusion: Official correspondence between Iran and the European countries visited shows that the importance the exchange of such Orders was considered significant and could have influence on mutual relationship. However, failing to observe diplomatic protocols caused irregularities with negative implications for Iran in some cases.

Keywords:

Iranian Orders, Foreign Orders, Lion and Sun Order, Mozzafar al-Din Shah, Qajar, European voyages.

Citation:

Rezayi, M., Dehghan nejad, M., Pirmoradian, M. (2020). Exchange of State Orders Durign Two Visits of European Countries by Mozzafar al-Din Shah. *Ganjine-ye Asnad*, 30(2), 86-116. doi: 10.22034/ganj.2020.2424

1. PhD Student of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran

rezayi888@yahoo.com

2. Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran
,(Corresponding Author)

mdehqannejad@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran

mostafapirmoradian@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«118»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2424

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 2, Summer 2020 | pp: 86 - 116 (31) | Received: 11, Dec. 2017 | Accepted: 23, Jun. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مبادله نشان های دولتی در سفرهای مظفرالدین شاه قاجار به اروپا

مرجان رضایی^۱ | مرتضی دهقان نژاد^۲ | مصطفی پیرمردیان^۳

چکیده

هدف: بررسی اهمیت و چگونگی اعطای نشان در سفرهای مظفرالدین شاه قاجار به اروپا.
روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسناد وزارت امور خارجه و آرشیو ملی ایران به دست آمده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: مکاتبات اداری میان ایران و دیگر کشورهای اروپائی نشان می‌دهد اعطای نشان از جنبه‌های مهم سفرهای خارجی مظفرالدین شاه بود و بر روابط سیاسی و فرهنگی ایران با آنها تأثیر می‌گذاشت. اما رعایت نکردن پروتکل‌های مربوطه در اعطای نشان موجب بی‌نظمی می‌شد و گاه عواقب سیاسی نامطلوب در برداشت.

کلیدواژه‌ها:

نشان‌های ایرانی، نشان‌های اروپایی، نشان شیروخورشید، قاجار، مظفرالدین شاه قاجار، سفرهای اروپایی.

استناد:

رضایی، مرجان، دهقان نژاد، مرتضی، پیرمردیان، مصطفی. (۱۳۹۹). مبادله نشان های دولتی در سفرهای مظفرالدین شاه قاجار به اروپا. *گنجینه اسناد*، ۳۰ (۲)، ۸۶-۱۱۶. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۲۴

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. rezayi888@yahoo.com
۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). mdehqannejad@yahoo.com
۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. mostfapirmoradian@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۸»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۲۴

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۰، دفتر ۲، تابستان ۱۳۹۹ | صص: ۸۶ - ۱۱۶ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲

تحقیقات تاریخی

مقدمه

نشان معمولاً قطعه‌ای فلزی است که از طرف حکومت‌ها برای مشخص کردن رتبه و مقام و یا قدردانی از کفایت و شجاعت افراد شایسته به آن‌ها اعطا می‌شود و افتخاری برای دارندگان آن محسوب می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴۸، ص ۵۰۱). نشان‌ها با مدال‌ها متفاوت هستند. مدال کلمه‌ای وام‌گرفته از زبان فرانسوی است و رتبه‌ای پایین‌تر از نشان دارد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴۴، ص ۱۰؛ صدیق‌الممالک، ۱۳۶۶، ص ۲۹۰). از مطالعه متون گذشته چنین برمی‌آید که نشان در عوض خدمت و یا تلاشی که رعایای سلاطین و پادشاهان انجام می‌دادند، به آنان اعطا می‌شد تا در میان همگنان خود سرآمد و شاخص باشند؛ مانند جقه، تکه الماس یا جواهر، بازوبند و هر چیز ارزشمند دیگری که رعایا را متمایز می‌کرد. اعطای نشان به افراد برای تکریم و قدردانی از آنان، در دوره قاجار شکل جدیدی به خود گرفت و گسترش یافت. اعطای نشان در کشورهای دیگر نیز مرسوم بود و کشورهای اروپایی با توجه به فرهنگ و تاریخ خود نشان مخصوص به خود داشتند. برای نمونه، مهم‌ترین نشان دربار انگلستان بند جوراب^۱ بود که ناصرالدین‌شاه قاجار از جمله اشخاصی بود که به این نشان مفتخر شد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۹۰).

همان‌گونه که اشاره شد نشان و اعطای آن از دوره قاجار به‌طور گسترده وارد تشریفات درباری شد. اولین نشان رسمی ایران، یعنی نشان شیر و خورشید، در زمان سلطنت فتح‌علی‌شاه قاجار به سرداران و صاحب‌منصبان و هم‌چنین به تعدادی از سفرای اروپایی اعطا شد (مالکوم، ۱۳۶۲، صص ۶۱۱-۶۱۰؛ کمبل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۴). با توجه به اهمیت و کاربرد نشان‌ها، اولین آیین‌نامه مخصوص نشان‌های رسمی در دوره محمدشاه قاجار تنظیم و تدوین شد (شهیدی، ۱۳۵۰، ص ۱۹۹). در دوره ناصرالدین‌شاه نیز نشان‌ها و اعطای آن‌ها به سبک و سیاق گذشته بود. البته تغییراتی در نظام‌نامه آن‌ها ایجاد شد و علاوه بر نشان شیر و خورشید، نشان‌های جدیدی از جمله تمثال همایون، اقدس، قدس و مقدس به مجموعه نشان‌های دولت قاجار اضافه شد. تمثال همایون در سیاست خارجی ایران اهمیت و جایگاهی ویژه داشت و مبادله آن نشان‌دهنده حسن روابط سیاسی بین دو کشور بود (شهیدی، ۱۳۵۰، ص ۱۸۶). توجه ویژه ناصرالدین‌شاه به نشان‌ها و تکمیل و تنظیم قواعد جدید برای آن‌ها، از اهمیت نشان‌ها در امور سیاسی داخلی و خارجی کشور حکایت داشت. در دوره مظفرالدین‌شاه نیز نشان‌ها هم‌چنان جایگاه مهم خود را حفظ کردند و تغییر خاصی در حوزه نشان‌های دولت ایران و نحوه اعطای آن‌ها ایجاد نشد.

درباره نشان و اعطای آن در دوره مظفرالدین‌شاه قاجار تاکنون تحقیق و پژوهشی مستقل انجام نشده است؛ از این رو تحقیق پیش‌رو پژوهشی نوین به‌شمار می‌آید. باین حال،

1. Order
2. Médaille
3. Order of the Garter



در برخی منابع و تحقیقات منتشر شده درباره نشان در دوره مظفرالدین شاه مطالبی به چشم می خورد که به ترسیم بخشی از جوانب و فضای کلی موضوع مدد می رساند. مقالاتی هم چون مقاله «نشان های دوران قاجاریه» از یحیی شهیدی، مقاله «نشان ها و مدال های ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز» از محمد مشیری، مقاله «نشان های دوره قاجار» از رابینو، مقاله «واکوی خاستگاه و کارکردهای نشان های دولتی عصر قاجار» از زهرا علی زاده بیرجندی و دیگران و کتاب «نشان ها و مدال های قاجاریه» از زینب آزمون، اطلاعاتی درباره نشان های ایرانی و کیفیت آن عرضه می کند؛ ولی بیشتر این پژوهش ها بر روی دیگر جوانب موضوع نشان در دوره قاجار، هم چون خاستگاه، کارکرد و کیفیت آن متمرکز شده اند و به اعطای نشان و کارکرد آن در سفرهای مظفرالدین شاه قاجار به اروپا و حواشی مربوط به آن توجه خاصی نداشته اند.

مقاله حاضر بر آن است که به اهمیت و جایگاه مهم ترین مدال ها و نشان های ایرانی و برخی نشان های غیر ایرانی در دوره مظفرالدین شاه با محوریت سفرهای او به اروپا بپردازد. بنابراین پرسش اصلی پژوهش این است که در سفرهای اروپایی مظفرالدین شاه قاجار مدال ها و نشان ها چه نقش و جایگاهی در روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی داشته اند؟ با توجه به اهمیت نشان و تبادل آن در سفرهای اروپایی مظفرالدین شاه این فرضیه مطرح می شود که نشان ها و تبادل آن ها در این سفرها در گسترش روابط سیاسی و فرهنگی ایران با کشورهای اروپایی نقشی مؤثر داشته اند. این پژوهش رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد. از آنجاکه عمده داده ها و اطلاعات این پژوهش از مجموعه اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران گردآوری شده است، می توان گفت که پژوهشی سندمحور است؛ البته برای تکمیل اطلاعات پژوهش از منابع اولیه از جمله کتاب و برخی منابع ثانویه از جمله مقاله نیز استفاده شده است.

نشان شیروخورشید و برخی نشان های دیگر

بر اساس شواهد تاریخی، نشان شیروخورشید اولین و مهم ترین علامت و نشان ملی ایران بوده است. بر اساس نظر برخی از محققان و پژوهش گران هم چون کلارا رایس^۱، کسروی و نفیسی، علامت شیروخورشید قدیمی ترین نشان و علامت ایران بوده است که در طول زمان، دچار دگرگونی هایی شده است. نظرات گوناگونی درباره پیشینه این نشان در ایران وجود دارد که گاه با افسانه هایی نیز آمیخته است. بر اساس شواهد تاریخی پیشینه این نشان و علامت به دوران ایران باستان بازمی گردد (Rice, 1916, p42). ضرب نشان شیروخورشید بر سکه های صفوی، به ویژه از دوره شاه عباس اول، رواج آن را در این دوره نشان می دهد (کسروی، ۲۵۳۶، صص

1. Clara Rice



۲۰-۲۲). در واقع نشان و علامت شیروخورشید در دوره صفوی جنبه‌ای رسمی و دولتی به خود گرفت و در بیرق‌ها و سکه‌های این دوره معمول شد (نفیسی، ۱۳۲۸، ص ۶۲).

در دوره قاجار، باتوجه به گسترش روابط ایران با اروپاییان ضرورت یافت که نشانی برای دولت ایران در نظر گرفته شود؛ در نتیجه، نشان شیروخورشید به این مهم اختصاص یافت. از دوره فتح‌علی شاه قاجار، نشان شیروخورشید به صورت رسمی نشان مخصوص ایران شد (مشیری، ۱۳۵۰، ص ۱۹۱). در دوره محمدشاه، نظام‌نامه‌ای برای نشان شیروخورشید و اعطای آن تدوین شد و در آن، نشان شیروخورشید به صراحت نشان دولت ایران اعلام شد. در این نظام‌نامه چنین آمده است: «[...] پس برای هر دولت نشانی ترتیب داده‌اند و دولت علیه ایران را هم نشان سبز شیروخورشید متداول بوده است که قریب سه هزار سال، بل متجاوز از عهد زرتشت این علامت بوده [...]» (بیانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۷۰).

در دوره ناصرالدین‌شاه، تغییراتی در نظام‌نامه نشان شیروخورشید به وجود آمد و در آن به روشنی اعلام شد که نشان دولت علیه ایران شیروخورشید است و به ترتیب به سه درجه اقدس، قدس و مقدس تقسیم می‌شود (صدیق‌الممالک، ۱۳۶۶، ص ۲۸۷). در این دوره، باتوجه به سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا و افزایش روابط شرق و غرب، به دستور ناصرالدین‌شاه نظام‌نامه‌ای نیز برای نشان عالی شیروخورشید مخصوص خارجی‌ان تصویب شد (شهیدی، ۱۳۵۰، ص ۲۰۷). براساس گزارش عبدالله مستوفی، در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار، نشان شیروخورشید دستخوش تغییراتی شد. این نشان، از روی نشان لژیون دونور فرانسه طراحی شد که درجه اول آن، با حمایل سبز بود و در حقیقت، نشان درجه اول شیروخورشید جای نشان مقدس را گرفت و نظام‌نامه‌ای برای هر یک نوشته شد (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۱۱۸-۱۱۹). نشان شیروخورشید براساس نشان لژیون دونور به ۵ درجه تقسیم می‌شد: ۱. درجه پنجم: (Chevalier)؛ ۲. درجه چهارم: (Officier)؛ ۳. درجه سوم: (Commandeur)؛ ۴. درجه دوم: (Grand-Officier)؛ ۵. درجه اول: (Grand-Cordon) (شهیدی، ۱۳۵۰، صص ۲۳۰-۲۳۱). در دوره مظفرالدین‌شاه تغییر خاصی در نظام‌نامه نشان شیروخورشید به وجود نیامد و مراتب آن براساس نظام‌نامه دوره قبل بود. در این دوره، نشان شیروخورشید، مهم‌ترین علامت و نشان رسمی ایران بود (ساکما، ۲۹۶/۰۲۲۶۷۵). این نشان که برحسب مراتب آن به افراد ایرانی و غیرایرانی اعطا می‌شد، از جمله نشان‌های مهمی بود که در سفرهای خارجی مظفرالدین‌شاه، به اروپاییان اعطا می‌شد. شایان ذکر است که از دوره ناصرالدین‌شاه علاوه بر نشان شیروخورشید، نشان‌های ایرانی دیگری هم از جمله نشان‌های علمی طراحی شد. نشان علمی به افرادی اعطا می‌شد که در زمینه علم و دانش خدماتی انجام داده بودند. در دوره مظفرالدین‌شاه، به چند نفر از

1. Légion d'honneur



اتباع روسیه مقیم آذربایجان نشان علمی اعطا شد (ساکما، ۲۹۶/۴۵۱۱). هم چنین در سفر مظفرالدین شاه به اروپا به دو پزشک اتریشی به نام دکتر الفور^۱ و دکتر اویت^۲ دو مدال علمی - که درجه ای کمتر از نشان داشتند - داده شد (استادوخ، سال ۱۳۲۳، کارتن ۴، پرونده ۲، سند شماره ۵۲).

از جمله نشان های دیگر می توان به نشان آفتاب اشاره کرد. نشان و حمایل آفتاب قبل از سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا تهیه شد تا در سفرهای اروپایی، از طرف شاه ایران به ملکه های اروپا اعطا شود (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶، ص ۵۹۶). این نشان در سفرهای مظفرالدین شاه به اروپا هم به تعدادی از زنان خانواده سلطنتی اعطا شد (مظفرالدین شاه قاجار، ۳۶۱۱، صص ۱۸۲ و ۲۱۲؛ مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲، ص ۶۱).

نشان و اهمیت آن در مناسبات داخلی و روابط خارجی

دریافت نشان یکی از افتخارات چشمگیری بود که بزرگان و درباریان قاجار درصدد دستیابی به آن بودند؛ زیرا نشان صاحب آن را از دیگر افراد متمایز می کرد و حاکی از التفات حکومت به شخص دریافت کننده نشان بود؛ چنان که در آیین نامه نشان های رسمی دوره قاجار درباره اهمیت نشان آمده است: «[...] هر کس در خدمت سابق است، بر دیگر فایق بود و این تفوق و تفاوت را با سه چیز معلوم کرده اند: اول در لقب و منصب؛ دوم در مرسوم و مواجب؛ سیم در اعطای نشان و علامات؛ که هر کسی ببیند داند که صاحب نشان در خدمت پیش است و در مرسوم بیش [...]» (بیانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۷۰).

دریافت نشان حاکی از التفات و توجه شاه به دریافت کننده نشان بود و به تثبیت موقعیت او کمک می کرد. برای نمونه، مظفرالدین شاه در زمان ولیعهدی، به دریافت نشان شیر و خورشید، به همراه سردوشی الماس مفتخر شد (اعتمادالسلطنه، بی تا، ص ۱۲۹).

مظفرالدین شاه در زمانی که در تبریز ولیعهد بود، نشان و حمایل درجه دوم سرتیپی را به میرزا صالح خان پسر معتمدالسلطان اعطا کرد (ساکما، ۹۵/۲۹۶/۹۹۴). هم چنین مظفرالدین شاه در زمان سلطنت به پسر و ولیعهد خود، محمدعلی میرزا، نشان هایی از جمله نشان قدس به همراه سرحمایل اعطا کرد (ساکما، ۲۹۶/۲۴۲۴۲).

افرادی که به دریافت نشان های ایرانی و اروپایی مفتخر می شدند، علاوه بر ارتقای مقام و موقعیت، از برخی امتیازات دیگر نیز برخوردار می شدند. برای نمونه هر ایرانی که به دریافت نشان لژیون دونور فرانسه مفتخر می شد، به دلیل قانون کاپیتولاسیون بین ایران و فرانسه، مصونیت قضایی پیدا می کرد و از مجازات متداول آن زمان، یعنی چوب و فلک، معاف می شد. به همین دلیل، اکثر افسران و حتی اعضای خانواده سلطنتی در دوره ناصرالدین شاه

1. Elfor
2. Evit



درصد بودند تا به این نشان دست یابند (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۳۷). نشان لژیون دونور از نشان‌های اروپایی پراهمیت دوره قاجار بود که ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۱م/۱۲۱۵ق آن را برای خدمات نظامی و غیرنظامی به وجود آورد (بن تان، ۱۳۵۴، ص ۱).

علاوه بر اهمیت نشان و اعطای آن در داخل، تبادل نشان نقشی مهم در توسعه روابط ایران و کشورهای اروپایی داشت (ساکما، ۲۹۶/۲۶۷۵۵). مثلاً هنگامی که دولت بلژیک نشان نظامی مخصوص این کشور را به همراه نامه‌ای برای مظفرالدین میرزای ولیعهد به دربار ناصرالدین شاه فرستاد، ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م در مکتوبی از ارسال نامه و اعطای نشان تشکر و قدردانی کرد و آن را حاکی از روابط دوستانه بین دو کشور دانست (D Hulster, 2003, p64). مظفرالدین شاه در سفر اول خود به بلژیک به هنگام ملاقات با پادشاه این کشور از این نشان و حمایل استفاده کرد (مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۱، ص ۱۶۶).

مظفرالدین شاه نیز شخصاً به نقش و اهمیت مبادله نشان بین سران ایران و کشورهای اروپایی اذعان داشت و بر اهمیت آن در ایجاد و گسترش روابط خارجی تأکید می‌کرد. مظفرالدین شاه در نامه‌ای به حاکم بلغارستان تصریح کرد که اعطای نشان موجب تحکیم روابط بین ایران و کشورهای اروپایی می‌شود و از همین رو، او یک قطعه نشان شیروخورشید مکمل به الماس با حمایل مخصوص برای حاکم این کشور اعطا می‌کند (ساکما، ۲۳۲/۲۱۵۰). همان‌گونه که ذکر شد، نشان شیروخورشید یکی از نشان‌های مهمی بود که در دوره مظفرالدین شاه به افراد ایرانی و غیرایرانی اعطا می‌شد. این نشان علاوه بر بزرگان صاحب‌منصبان، گاه به دانشمندان و پزشکان نیز اعطا می‌شد؛ چنان‌که با تصویب میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان، در سندی به تاریخ ۱۳۱۷ق/۱۹۰۰م نشان شیروخورشید درجه دوم به میرزا ابراهیم خان، دانشجوی علم طب در پاریس، اهدا شد (ساکما، ۲۹۶/۶۶۱۸). میرزا ابراهیم خان، پسر میرزا ابوالحسن خان، پزشک دربار مظفرالدین شاه بود که در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا، در قسمتی از سفر، شاه را همراهی کرد و مورد توجه و تفقد مظفرالدین شاه قرار گرفت (مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۱، صص ۱۰۴ و ۱۳۲). میرزا ابراهیم خان پس از اتمام تحصیلاتش در اروپا و بازگشت به ایران به حکیم‌الملک ملقب شد و این بار در سال ۱۳۲۱ق/۱۹۰۳م با وساطت امین‌السلطان نشان شیروخورشید درجه اول خارجه را به انضمام حمایل سبز دریافت کرد (ساکما، ۹۹۷/۲۳۹).

اعطای نشان شیروخورشید به اتباع بیگانه نیز مرسوم بود. برای نمونه براساس گزارش اسناد، مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۸ق/۱۹۰۰م، نشان شیروخورشید را به میرزا آگالوس خان، مترجم ژنرال کنسول‌گری که در مقام کارپرداز اول دولت انگلیس در تبریز هم بود، اهدا کرد (ساکما، ۲۹۶/۲۳۲۱۶). هم‌چنین او در سال ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م به یکی از اتباع روس

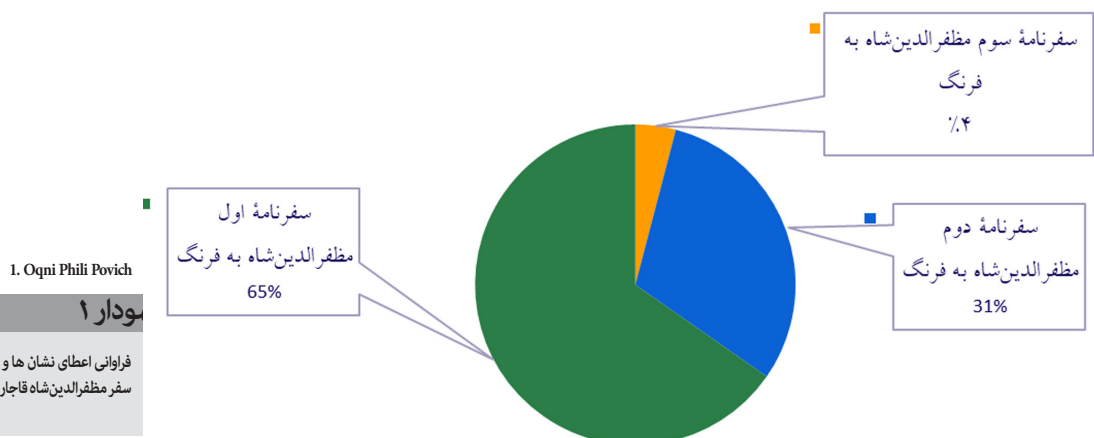


به نام اوغنی فیلی پوویچ^۱، مکانیک چی استرآباد، نشان شیر و خورشید درجه چهارم اعطا کرد (ساکما، ۱۴۷۳/۲۹۰).

سفرهای مظفرالدین شاه به اروپا و اعطای نشان

مظفرالدین شاه سه سفر به اروپا داشت: سفر اول در سال ۱۳۱۷ق/۱۹۰۰م؛ سفر دوم در ۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م؛ و سفر سوم در ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م. اعطای نشان یکی از بخش های مهم سفرهای مظفرالدین شاه به اروپا بود؛ به گونه ای که تدارک نشان های گوناگون ایران برای اعطا به خارجیان یکی از مقدمات این سفرها محسوب می شد (مراغه ای، ۱۳۶۴، ص ۳۳۵). باتوجه به اهمیت نشان و اعطای آن توسط شاه ایران به دولت مردان اروپایی و برخی از خارجیان، این موضوع در سفرنامه های مظفرالدین شاه به فرنگ به ویژه در روزنامه خاطرات سفرهای اول و دوم او به اروپا انعکاس یافته است. اگرچه در این سفرنامه ها به موضوع نشان، دریافت و اعطای آن پرداخته شده است، ولی در تعدادی از موارد به ویژه درباره اعطای نشان به افراد خارجی به غیر از طبقه سلطنتی و صاحب منصبان، اشارات به صورت کلی است و کمتر به جزئیات دقیق از قبیل نام دریافت کننده، و نوع و درجه نشان اشاره شده است. برای نمونه، مظفرالدین شاه در هنگام اعطای قطعه نشانی به یکی از روزنامه نگاران روسی در خارکف به این عبارت بسنده می کند: «روزنامه نویس اینجا [خارکف] هم چند قطعه عکس ما را انداخته بود آورد، یک قطعه نشان به او مرحمت کردیم» (مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۱، ص ۶۷). نمودار زیر درصدهای فراوانی گزارش نشان و اعطای آن را در سفرهای اروپایی مظفرالدین شاه نشان می دهد:

سه سفرنامه مظفرالدین شاه قاجار به فرنگ



فراوانی اعطای نشان ها و تبادل آن در سه سفر مظفرالدین شاه قاجار به فرنگ

براساس این نمودار، اشاره به نشان در سفرنامه اول بیشترین میزان را دارد (۳۲ مرتبه)، در سفرنامه دوم (۱۵ مرتبه) و در سفرنامه سوم به حداقل می‌رسد (۲ مرتبه). سفر اول مظفرالدین‌شاه به اروپا با توجه به اولین تجربه او از سفر به اروپا و ملاقات با پادشاهان و سران مختلف کشورهای اروپایی اهمیت و جایگاه بالایی داشته و در سفرنامه آن‌هم بیش از دو سفرنامه دیگر به نشان و تبادل آن پرداخته شده‌است. در سفر سوم به دلیل غیررسمی بودن و محدود بودن به بازدید از چند کشور اروپایی، نشان‌های کمتری دریافت و اعطا شده‌است.

در دوره پادشاهی مظفرالدین‌شاه، به‌ویژه در ملاقات‌های او با سران و دولت‌مردان اروپایی در طی سفرهای خارجی، نشان‌های گوناگونی به شاه ایران اعطا شد. برای نمونه، در سفر اول مظفرالدین‌شاه به روسیه، امپراتور این کشور نشان و حمایل سنت آندره^۱ را که یکی از نشان‌های مهم این کشور بود به شاه ایران هدیه داد (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۱، ص ۱۰۹). در نمونه‌ای دیگر، سفیر کبیر اسپانیا، به نمایندگی از شاه این کشور، نشان مخصوص پادشاهان را به مظفرالدین‌شاه اعطا کرد (استادوخ، سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۹، پرونده ۲۵، سند شماره ۷۱). در سفر دوم مظفرالدین‌شاه به اروپا، در هنگام اقامت او در پاریس، از طرف سفیر کبیر دولت اسپانیا، دون پُرس کابایرو^۲ نشان “Toison d’or” به شاه ایران تقدیم شد (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۲، ص ۱۳۰).

تبادل نشان در سفرهای خارجی مظفرالدین‌شاه از جایگاهی ویژه در روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی برخوردار بود. تبادل نشان بیانگر حسن روابط بین کشورها و به‌منزله احترام و تکریم متقابل بود. هنگامی که مظفرالدین‌شاه در سفرهای اروپایی به دیدار شاهان و شاهزادگان اروپایی می‌رفت و یا در مهمانی‌های سلطنتی شرکت می‌کرد، نشان کشور میزبان را بر روی سینه خود نصب می‌کرد (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۱، صص ۱۹۲ و ۱۹۹).

به‌مناسبت سفرهای شاهان قاجار به اروپا، نشان‌های گوناگونی تدارک دیده می‌شد (رابینو، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶) تا به شاهان و شاهزادگان و دیگر افراد صاحب‌منصب اروپایی اعطا شود. در سفر اول مظفرالدین‌شاه به فرانسه، به تعدادی از مقامات نظامی فرانسوی مشایعت‌کننده شاه ایران در این کشور، نشان شیروخورشید با حمایل سبز اهدا شد (استادوخ، سال ۱۳۱۷، کارتن ۱۹، پرونده ۴، سند شماره ۶). براساس گزارش اسناد در سفرهای مظفرالدین‌شاه به اروپا نشان‌های بسیاری به خارجی‌ان اعطا شد؛ به‌گونه‌ای که به‌دستور مظفرالدین‌شاه، در سفر اول او به اروپا ۳۴ نشان فقط به مأموران بلغارستان اهدا شد (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۴، پرونده ۶، سند شماره ۱۶۲). هم‌چنین، به وزیرمختار

1. Saint André
2. Don Pers Caballero



اتریش و دیگر نظامیان این کشور نشان‌هایی اعطا شد (استادوخ، سال ۱۳۲۳، کارتن ۴، پرونده ۲، سند شماره ۴۱). این موضوع در مطبوعات اروپایی بازتاب‌هایی به همراه داشت. روزنامه تلگراف، چاپ بلغراد، به اعطای نشان‌های ایران به کارکنان راه‌آهن بلغارستان در سفر اول مظفرالدین شاه به این سرزمین اشاره کرد (استادوخ سال ۱۳۱۸، کارتن ۴، پرونده ۵، سند شماره ۱۱۷). نکته حائز اهمیت این است که استویلوف، یکی از نویسندگان روزنامه تلگراف، نیز از شاه ایران نشانی دریافت کرد و این روزنامه ستونی از اخبار خود را به اعطای نشان شیر و خورشید درجه سوم به این نویسنده (نویسنده اول این روزنامه) اختصاص داد (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۴، پرونده ۵، سند شماره ۱۵۱). هم‌چنین، یکی از روزنامه‌های هلند مطلبی درباره مراسم اعطای نشان و تمثال مظفرالدین شاه به سفیر هلند درج کرد (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۹، پرونده ۶/۱). با توجه به تعداد زیاد و غیرمعمول اعطای نشان به خارجیان در سفرهای مظفرالدین شاه به اروپا، اهدای این نشان‌ها بیش از آن‌که به لیاقت و شایستگی افراد دریافت‌کننده نشان بسته بوده باشد، برای تفقد و دلجویی و جلب توجه اروپاییان بوده است.

در سفرهای اروپایی، نشان‌های ایران تنها به خارجیان اعطا نمی‌شد؛ بلکه گاه در این سفرها به همراهان و ملازمان ایرانی مظفرالدین شاه هم که مورد توجه و التفات او قرار می‌گرفتند، نشان اهدا می‌شد. برای نمونه، در سفر سوم مظفرالدین شاه به اروپا، نشان اقدس از طرف شاه ایران به عین‌الدوله، صدراعظم وقت ایران، اعطا شد (مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

در آستانه این سفرها و هم‌چنین در طول سفر، نشان‌هایی از جانب شاه و دولت ایران به افراد مختلف اعطا می‌شد. گاه نیز این افراد خود درخواست می‌کردند که نشانی به آن‌ها اعطا شود. برای نمونه در آستانه سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا، کنسول ایران در تفلیس اسامی افرادی را به وزارت خارجه ایران ارسال کرد که خواهان دریافت نشان از دولت ایران بودند (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۶، پرونده ۱۴، سند شماره ۳). وزارت خارجه نیز ده قطعه نشان بدین منظور نزد کنسول ایران در تفلیس فرستاد (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۶، پرونده ۱۴، سند شماره ۱۳۱).

با توجه به گزارش اسناد، چنین استنباط می‌شود که دریافت نشان ایران برای برخی از اروپاییان اهمیت داشته است. نشان برای صاحب خود افتخار و اعتبار به همراه می‌آورد و او را بین همگنان خود شاخص و سرآمد می‌کرد (آون، مصاحبه، ۲۸ خرداد ۱۳۹۸؛ تولن، مصاحبه، ۲۸ خرداد ۱۳۹۸). برخورداری از نشان‌ها موجب ارزش و اعتبار دارندگان آن‌ها در رسومات و تشریفات درباری و امور اداری و حکومتی می‌شد؛ چنان‌که استفاده از نشان

1. stoilov



در ملاقات‌ها و تشریفات رسمی و درباری مرسوم بود. نشان‌ها براساس درجه و اعتبارشان امتیازاتی را برای صاحبانشان به‌همراه می‌آوردند و به آنان برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود در امور سیاسی، اقتصادی و شخصی یاری می‌رساندند؛ بنابراین برخورداری از آنان اهمیت داشت.

اروپاییانی که خواستار نشان از دولت ایران بودند، عمدتاً در سفرهای مظفرالدین‌شاه به اروپا با شاه ایران ملاقات می‌کردند و اغلب درصدد برمی‌آمدند تا از طریق تألیف کتاب و هدیه آن به شاه ایران، موافقت او را برای اعطای نشان جلب کنند. در ادامه، به تلاش‌های چند تن از اروپاییان برای دریافت نشان از شاه ایران پرداخته می‌شود:

مادام الکساندراف،^۱ صاحب روزنامه انیس‌الجلوس چاپ اسکندریه، از جمله افرادی بود که موفق شد در استانبول با مظفرالدین‌شاه ملاقات کند. او برای جلب رضایت شاه ایران، قصیده‌ای در وصف او سرود و با ارسال یکی از تألیفات خود برای مظفرالدین‌شاه، نشان درجه سوم آفتاب را از او تقاضا کرد (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۳۰، پرونده ۵، سند شماره ۱۰). او در نامه خود به تمجید مظفرالدین‌شاه پرداخت و وجود او را برای مردان و زنان به یک‌اندازه اثربخش دانست. او برای جلب توجه شاه ایران به این نکته اشاره کرد که از دولت صربستان نیز نشان درجه دوم گرفته‌است (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۳۰، پرونده ۵، اسناد شماره ۱۱ و ۱۲). احتمالاً او با ذکر این موضوع درصدد بوده‌است تا خود را شایسته و لایق دریافت نشان ایران معرفی کند.

ادمانتس،^۲ یکی از مسئولان اداره فرهنگ و مطبوعات تفلیس، نیز کتابی در حوزه تاریخ اسلام تألیف کرد و با اهدای یک نسخه از آن به مظفرالدین‌شاه، نشان درخواست کرد. او در نامه خود یادآوری کرد که به‌دلیل آشنایی با زبان‌های شرقی، موفق شده‌است تا از دولت روسیه نیز نشانی دریافت کند (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۳۰، پرونده ۵، سند شماره ۲۷).

قوپیوف،^۳ نایب‌شکارچی باشی مظفرالدین‌شاه و ملازم شاه در سفر به روسیه، نیز نشان درخواست داشت. او کتابی درباره شکار و شکارهای امپراتوران روسیه به زبان فرانسه نوشت و با تقدیم آن به مظفرالدین‌شاه، نشان درجه دوم شیروخورشید درخواست کرد. مظفرالدین‌شاه این کتاب را پسندید و با اعطای نشان مذکور موافقت کرد (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۳۰، پرونده ۵، سند شماره ۲۳).

ژیوادنیوویچ آوکا^۴ نیز از دیگر افرادی بود که موفق شد از شاه ایران نشان دریافت کند. او با اهدای کتابی به مظفرالدین‌شاه، از دولت ایران نشان درخواست کرد؛ به‌همین دلیل، ماکسیم افندی،^۵ کنسول عثمانی در بلغراد، را واسطه دریافت این نشان کرد. ماکسیم افندی

1. Alexandrov Madam
2. Edmantes.
3. Kotibov
4. Zhivadnovich Avka
5. Maxim Effendi



نیز به دولت ایران متذکر شد که این شخص توانسته است از دولت عثمانی نشان درجه سوم دریافت کند. مظفرالدین شاه هم در فرمانی، نشان درجه سوم شیر و خورشید را به او اعطا کرد (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۳۰، پرونده ۵، سند شماره ۲۵).

والتر شوتز از دیگر اروپاییانی بود که از شاه ایران نشان درخواست کرد. او پس از سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا، با اهدای کتاب به شاه ایران از او نشان تقاضا کرد. والتر شوتز دو نسخه از کتاب های خود را به رسم هدیه برای مظفرالدین شاه ارسال کرد و در مراسله خود با صراحت بیان کرد که یکی از این کتاب ها را که درباب پادشاهان است، به سبب رنگی بودن، با هزینه گزافی چاپ کرده است. او نشان شیر و خورشید را قدیمی ترین نشان دنیا دانست و آرزو کرد شاه ایران این نشان را به او اهدا کند (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۳۰، پرونده ۵، سند شماره ۳۸).

هدایای خارجیان به مظفرالدین شاه برای جلب نظر او برای اعطای نشان، به تقدیم آثار فرهنگی و هنری از جمله کتاب و تألیفات منحصر نمی شد (ساکما، ۲۹۸/۰۸۳۲۷۳): بلکه موارد دیگری را نیز شامل می شد که چندان ارزش فرهنگی نداشتند. در طی اقامت مظفرالدین شاه در فرانسه، دو فرانسوی نامه هایی به شاه ایران نوشتند و با تقدیم بطری شراب شامپانی^۲ و دو بطری شراب بردو^۳ از او نشان شیر و خورشید تقاضا کردند (Paoli, 1912, p91).

شایان ذکر است که تقاضای خارجیان از شاه ایران برای اعطای نشان لزوماً با تقدیم هدایا همراه نبود؛ چنان که دکتر شنیدلر^۴ پزشک مخصوص مظفرالدین شاه، نیز در نامه ای به وزارت خارجه درخواست کرد دوازده قطعه نشان با درجات مختلف اول، دوم، سوم و چهارم به صاحب منصبان و پزشکان خارجی اعطا شود (استادوخ، سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۰، پرونده ۱۰، سند شماره ۶۸). در جواب مراسله شنیدلر، فرمان ساخت چند قطعه نشان شیر و خورشید به نام معلمان و رؤسای او در فرانسه، صادر شد (استادوخ، سال ۱۳۲۳، کارتن ۲۰، پرونده ۱۰، سند شماره ۶۹).

براساس گزارش اسناد، مظفرالدین شاه پس از بازگشت از سفرهای خارجی تعداد زیادی نشان سفارش داد. برای نمونه، در یک سفارش از فرانسه، ساخت پانصد نشان ایران تقاضا شد. در این سفارش قید شد که ۲۵۰ قطعه از نشان ها مزین به تمثال همایونی و ساده و فاقد رنگ باشد و ۲۵۰ قطعه دیگر رنگین باشد (استادوخ، سال ۱۲۸۳ ش، کارتن ۱۲، پرونده ۷، سند شماره ۲). البته چاپ قطعات نشان رنگین با مشکل روبه رو شد و سفیر ایران در پاریس با ارسال نامه ای، شاه ایران را متقاعد کرد که چاپ قطعات رنگین کیفیت مطلوبی نخواهد داشت و متناسب با شأن پادشاهان نیست. در نهایت، مقرر شد که

1. Walter Schutz

2. Champagne

3. Bordeaux

4. Schindler



پانصد قطعه نشان با تمثال شاه و با چاپ ساده و فاقد رنگ تهیه شود و طراحی و نقاشی آن را یکی از نقاشان فرانسوی به نام لورانس^۱ به عهده گیرد (استادوخ، سال ۱۲۸۳ش، کارتن ۱۲، پرونده ۷، سند شماره ۳). در مقابل، این نقاش فرانسوی نیز نشان درجه چهارم از مظفرالدین شاه تقاضا کرد (استادوخ، سال ۱۲۸۳ش، کارتن ۱۲، پرونده ۷، سند شماره ۳/۱). نکته درخور توجه این است که اعتبار نشان به فرمان آن بود و فرمان نشان هم چون خود نشان اهمیت داشت. گاه افرادی که موفق شده بودند نشان دریافت کنند، به سبب از بین رفتن فرمان نشان اهدایی، بار دیگر خواهان اعطای فرمان نشان می شدند. برای نمونه، کرانولت^۲ رئیس شعبه تجارت خارجی اداره زراعت، تجارت و صناعت باتاویا و هلند که در سال ۱۳۱۷ق/۱۹۰۰م موفق شده بود نشان درجه سوم شیر و خورشید از مظفرالدین شاه دریافت کند، به دلیل سوختن و از بین رفتن فرمان نشان اهدایی خود، در نامه ای درخواست کرد تا بار دیگر فرمان این نشان برای او صادر شود (ساکما، ۲۹۳/۴۳۵۸).

اغلب، با درخواست خارجیان برای اعطای نشان موافقت می شد؛ ولی گاه نیز به دلایل مختلف، به تقاضای آن‌ها بی توجهی می شد. برای نمونه، درخواست علی فرخیگ، وزیر مختار عثمانی در واشنگتن و کارکنان سفارت این کشور مبنی بر اعطای نشان توسط مظفرالدین شاه به تعدادی از خارجیان با مخالفت دولت ایران روبه‌رو شد و تصویب آن به زمانی دیگر موکول شد. وزارت خارجه ایران هم در نامه ای به مفخم الدوله، وزیر مختار ایران در واشنگتن، مخالفت خود را با اعطای نشان به این افراد اعلام کرد. متن نامه بدین قرار بود: «اگر به این سرعت به چند نفر در آمریکا نشان دولت علیه ایران اعطا شود، دیری نخواهد پایید که دیگران هم درخواست اعطای نشان را کنند» (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۷، پرونده ۲۲، سند شماره ۲۱). این موضوع بیانگر تعداد زیاد تقاضا برای نشان‌های ایران از جانب خارجیان در این دوره است.

با وجود درخواست‌های متعدد خارجیان از مظفرالدین شاه مبنی بر اعطای نشان به ویژه نشان شیر و خورشید، در مواردی نادر هم اشخاصی از دریافت نشان امتناع می ورزیدند. به استناد گزارش پاولی^۳ در کتاب «اعلیحضرتا»^۴ هنگامی که مظفرالدین شاه برای آشنایی با آخرین دستاوردهای علم پزشکی در اروپا اظهار تمایل کرد، به ملاقات پیر کوری دانشمند و شیمی دان رفت. در هنگام آزمایش، فضای تاریک اتاق موجب هراس و وحشت شدید شاه ایران شد. بعد از این حادثه، مظفرالدین شاه در صدد برآمد نشانی به پیر کوری اهدا کند که به نظر می رسد او به دلیل واکنش شاه ایران در طول آزمایش از دریافت آن امتناع کرد (Paoli, 1912, p87).

باتوجه به نمونه‌های یادشده و با استناد به اسناد بررسی شده، یکی از درخواست‌های

1. Lawrence

2. Kranolt

۳. این شهر هم‌اکنون جاکارتا نامیده می‌شود و پایتخت جزیره جاوه است. باتاویا در گذشته بر مستملکات هلند اطلاق می‌شده است (دهخدا، ۱۳۳۶، ج ۹، ص ۱۲۵).

۴. Xavier Paoli: این شخص سمت مهمانداری ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه را در سفرهایشان به فرانسه برعهده داشت.

5. Leurs Majestés

6. Pierre Curie



مهم خارجیان از مظفرالدین شاه، به ویژه پس از سفرهای او به اروپا، اعطای نشان های ملی ایران و عمدتاً نشان شیروخورشید بود. بر طبق اسناد بررسی شده، متقاضیان نشان ایران عمدتاً از جایگاه سیاسی و اجتماعی بالایی برخوردار نبودند. این موضوع از یک سو بیانگر کاهش اعتبار نشان های ایران در مجامع جهانی در آن دوره بوده است و از سوی دیگر بی ضابطه بودن اعطای نشان های ایران در آن دوره را نشان می دهد.

آسیب شناسی اعطای نشان های ایران به اروپائیان در دوره مظفرالدین شاه

در زمان محمدشاه، نظام نامه ای برای اعطای نشان تدوین شد که در دوره ناصرالدین شاه نیز بیشتر تفصیل یافت؛ ولی اعطای نشان هم چنان از نظم و قاعده ای مناسب برخوردار نبود؛ به طوری که ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در سفرهایشان به اروپا، نشان های ملی ایران به ویژه نشان شیروخورشید را بدون هیچ گونه ضابطه ای خاص به شاهان و درباریان اروپایی و حتی افراد عامی اهدا می کردند. این موضوع توجه برخی از مورخان و نویسندگان دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار را جلب کرد. امین الدوله در کتاب خاطرات خود از تنزل و کاهش اعتبار نشان شیروخورشید به سبب افراط در اعطای آن در زمان ناصرالدین شاه گزارش می دهد (امین الدوله، ۱۳۷۰، ص ۱۷). عین السلطنه نیز در روزنامه خاطراتش گزارش می دهد: «در این سفرها، آن قدر در اعطای نشان شیروخورشید افراط شد که نشان ها و حمایل را خوار و ذلیل کردند و آن قدر از نشان شیروخورشید در داخله و خارجه دادند که قابل حساب نبود؛ به طوری که تنها در سه سفر فرنگ ناصرالدین شاه، هزار نشان شیروخورشید اعطا شد» (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۰۵). هدایت نیز بر این عقیده بوده است که اعطای نامتعارف نشان باعث تنزل و کاهش اعتبار آن ها شده بود. به گفته او، در یکی از سفرهای مظفرالدین شاه به اروپا، تصویری طنزآمیز از قوام السلطنه، سفیر ایران در اتریش چاپ شد که مجموعه ای از نشان ها را در دست داشت و به دنبال مشتری بود (هدایت، ۱۳۴۴، ص ۱۱۵). در واقع این تصویر طنزآمیز حاکی از افراط دولت مردان قاجار در اعطای نشان و بی ضابطه بودن آن بود.

پیامدهای منفی اعطای بی رویه نشان به افراد و مقامات از دوره ناصری موجب شد تا مظفرالدین شاه در صدد برآید تغییری در نظام نامه اعطای نشان ها ایجاد کند؛ بنابراین، یکی از اعلانات او در موقع تاج گذاری چنین بود: «از این به بعد، به هیچ یک از مناصب عامه و تشریفات، القاب و نشان های کشوری و لشکری، به جز به لیاقت و شایستگی، اعطا نخواهد شد؛» چون این نکته در یکی از روزنامه های اروپایی منعکس شده بود (استادوخ، سال ۱۳۲۵، کارت ۹، پرونده ۳، سند شماره ۱۵۱). البته این موضوع در عمل محقق نشد؛



چون بی ضابطه بودن اعطای نشان و موارد دیگر را در اسناد و گزارش‌های تاریخی موجود می‌توان مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که سفیر ایران در ایتالیا نیز به صورت تلویحی در نامه‌ای به این موضوع اشاره می‌کند (استادوخ، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۰، پرونده ۱۶، سند شماره ۵۰). افراط در توزیع نشان در دوره مظفرالدین‌شاه حتی نظر روزنامه‌نگاران روسی را نیز به خود معطوف کرد؛ به طوری که یکی از روزنامه‌های روسی مقاله‌ای درباره اعطای بی‌حد و حصر نشان‌های ایران منتشر کرد. در این مقاله آمده بود که در ایران، نشان‌ها بر اساس منصب و لیاقت افراد اعطا نمی‌شود (استادوخ، سال ۱۳۲۰، کارتن ۸، پرونده ۱۰، سند شماره ۵۱/۲).

در دوره مظفرالدین‌شاه، اعطای نشان به اروپاییان حاشیه‌هایی نیز داشت که باز هم به دلیل بی‌ضابطه بودن اعطای نشان بود و گاه موجب بروز مسائلی در روابط سیاسی ایران با کشورهای اروپایی می‌شد. مثلاً در سفر مظفرالدین‌شاه به اتریش، به یک مهمان‌چی نشانی اعطا شد که بدون تصویب سفارت این کشور بود و سفارت اتریش در مکاتبه‌ای، از دولت ایران دلیل اعطای آن نشان را پرسید (استادوخ، سال ۱۳۲۳، کارتن ۴، پرونده ۲، سند شماره ۳۷).

بی‌ضابطه بودن اعطای نشان مشکلاتی نیز برای سفیر ایران در بلغارستان به وجود آورد (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۴، پرونده ۶، سند شماره ۱۶۲). در سفر اول مظفرالدین‌شاه به بلغارستان، فرمان اعطای ۳۴ نشان دولت علیه ایران برای اتباع خارجی صادر شد؛ ولی به دلیل نبودن این تعداد نشان، بین سفیر ایران در صوفیا با یکی از مقامات این کشور مشکلاتی ایجاد شد. سفیر در نامه‌ای به تفصیل و شرح این مشکلات پرداخت (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۴، پرونده ۶، سند شماره ۱۶۲).

با استناد به گزارش اسناد مذکور، نشان‌ها و اعطای آن‌ها در دوره مظفرالدین‌شاه نقشی مهم و انکارناپذیر در توسعه روابط ایران با کشورهای اروپایی داشته‌اند؛ بنابراین، در توزیع و اهدای آن‌ها ملاحظات بسیاری می‌بایست رعایت می‌شد؛ چون بی‌تدبیری در تبادل و اعطای نشان‌ها ممکن بود اثراتی سوء بر روابط بین‌المللی ایران داشته باشد.

حاضر نبودن به موقع نشان‌ها و کمبود آن‌ها، به طرق دیگر نیز در سفرهای خارجی مظفرالدین‌شاه مشکل‌ساز شد. برای نمونه در حین سفر مظفرالدین‌شاه به اروپا در مرز اتریش مقرر شد که از طرف دولت ایران به وزیر مختار اتریش و فرماندهان نظامی راه، نشانی اعطا شود؛ ولی به دلیل حاضر نبودن نشان در زمان صدور آن، نشان الماس و انفیهدان و حمایتی به ارزش پانصد تومان از سفیر ایران در اتریش به عاریت گرفته شد تا بعد از بازگشت شاه به ایران، نمونه این نشان برای سفیر ارسال شود (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن



۴، پرونده ۲، سند شماره ۴۱) و در نمونه دیگر در طی سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا و عده اعطای نشان تمثال همایون به ژنرال قنصل گری ایران در تفلیس داده شد (استادوخ، سال ۱۳۱۸، کارتن ۶، پرونده ۱۴، سند شماره ۳۵).

فرمان نشان های کشورهای مختلف براساس نظامنامه و قواعد مختص به صدور نشان آن کشورها صادر می شد. این فرمانها براساس الگوهای فرهنگی و عمدتاً به زبان کشورهای صادرکننده بود (ساکما، ۲۹۶/۲۶۷۵۵). فرمان های صادر شده برای نشان های ایرانی در زمان مظفرالدین شاه گاه به دست خط خود شاه بود (ساکما، ۲۹۶/۶۶۱۸) و گاه به تویق او می رسید (ساکما، ۲۹۶/۹۹۴). به نظر می رسد که اصل فرمان نشانها در زمان مظفرالدین شاه به زبان فارسی بوده است و ممکن بود است برای اروپاییان ترجمه شود.

اعتبار نشان علاوه بر خود نشان به صدور فرمان آن نیز بود. گاهی اوقات در صدور فرمان نشانها هماهنگی وجود نداشت تا آنجا که این موضوع مشکلاتی برای دارندگان نشانها ایجاد می کرد. مثلاً، در سفر سوم مظفرالدین شاه به روسیه، به رئیس کل ایتامزور^۱ اعطای نشان درجه دوم شیر و خورشید و عده داده شد؛ ولی فرمان آن صادر نشد. در نتیجه، این شخص بارها به سفارت ایران در روسیه مراجعه کرد. این مراجعات حتی تا پس از مرگ مظفرالدین شاه نیز ادامه یافت و سفیر ایران در روسیه از محمدعلی شاه تقاضا کرد فرمان اعطای این نشان را صادر کند (استادوخ، سال ۱۳۲۵، کارتن ۷، پرونده ۱، سند شماره ۱۰۱). هم چنین، در سفر سوم مظفرالدین شاه به اروپا نشانی از سوی دولت ایران به یکی از اتباع اتریش بدون صدور فرمان آن اعطا شد. فرمانها دستور پادشاه و سند و شناسنامه نشان بودند و نشان های بدون فرمان ارزش واقعی نداشتند؛ بنابراین، این فرد از وزارت خارجه ایران درخواست کرد فرمان اعطای نشان نیز صادر شود (استادوخ، سال ۱۳۲۳، کارتن ۴، پرونده ۲، سند شماره ۳۹).

در سفر سال ۱۳۲۰ ق/ ۱۹۰۲ م مظفرالدین شاه به ایتالیا نیز به شوالیه پیترو زاک شی، یکی از مسئولان وزارت فواید عامه آن کشور که بر نظم و ترتیب قطارهای پادشاه ایران در این کشور نظارت داشت، نشان شیر و خورشید درجه چهارم اعطا شد؛ ولی فرمان آن صادر نشد؛ بنابراین، این شخص در مکاتبه ای از محتشم السلطنه، وزیر امور خارجه ایران، صدور فرمان نشان را درخواست کرد (استادوخ، سال ۱۳۲۹، کارتن ۴۷، پرونده ۴، سند شماره ۱۰).

در مجموع مهم ترین مشکلات مربوط به اعطای نشان به خارجیان در دوره مظفرالدین شاه را می توان به بی ضابطه بودن و افراط در اعطای نشان، کمبود نشان در سفرهای خارجی شاه، و گاه تأخیر در صدور فرمان اعطای نشان دانست.

۱. ارکان حرب؛ ستاد؛ این کلمه در دوران

قاجار استفاده می شده است (معین، ۱۳۷۱،

ج ۱، ص ۱۳۳).

2. Pietro Zach chi



نتیجه‌گیری

از دوره محمدشاه قاجار، نظامنامه‌ای برای اعطای نشان وضع شد تا اعطای نشان نظم و ضابطه‌ای خاص داشته باشد. این موضوع را می‌توان دال بر اهمیت نشان در مناسبات داخلی دولت قاجار با کارگزارانش و هم‌چنین روابطش با کشورهای خارجی دانست. به دلیل گسترش روابط ایران با کشورهای اروپایی در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار، نشان‌های متعددی از جمله نشان شیروخورشید مخصوص خارجیان به مجموعه نشان‌های دولت قاجار اضافه شد و نظامنامه‌ای برای نشان‌ها و اعطای آن‌ها تدوین شد. با وجود تدوین نظامنامه برای اعطای نشان‌های ایران در این دوره، باز هم اعطای نشان از ضابطه و نظمی مشخص پیروی نمی‌کرد؛ به گونه‌ای که این موضوع موجب آشفتگی و هرج و مرج در اعطای نشان در دوره ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه شد.

نشان و اعطای آن، یکی از بخش‌های مهم سفرهای خارجی مظفرالدین‌شاه و حاشیه این سفرها را، تشکیل می‌داد. براساس اسناد آرشیوی، تبادل نشان در سفرهای خارجی بین هیئت حاکمه ایران و سران و صاحب‌منصبان کشورهای اروپایی توانسته بود در مناسبات ایران با کشورهای اروپایی تأثیرگذار باشد؛ چنان‌که یکی از مهم‌ترین موضوعات مکاتبات اداری میان ایران و سایر کشورهای اروپایی درباره نشان‌ها و مسائل و حواشی مربوط به آن بوده است. گاه پیروی نکردن از قوانین مربوط به نشان عواقب سیاسی نامطلوبی برای ایران در بر داشت.

اعطای نشان هم‌چنین توانست در روابط فرهنگی ایران با کشورهای اروپایی در این دوره نقش آفرین باشد. در سفرهای مظفرالدین‌شاه به اروپا و پس از آن، تعدادی از خارجیان اعطای نشان ایران یا به عبارت دیگر نشان شیروخورشید را از دولت ایران خواستار شدند. این خارجیان که عمدتاً از جایگاه سیاسی و اجتماعی بالایی برخوردار نبودند، عمدتاً با تقدیم هدایا و آثار فرهنگی و هنری خود به مظفرالدین‌شاه قاجار هم‌چون کتب و تألیفات درصدد جلب رضایت شاه ایران برای اعطای نشان بودند. انگیزه‌های اروپاییان برای دریافت نشان ایران متفاوت باشد؛ ولی در مجموع برخورداری از نشان‌ها با توجه به درجه و اعتبار آن‌ها، افتخارات و امتیازاتی را برای صاحبان آن‌ها به همراه داشت؛ بنابراین برخورداری از آنان اهمیت داشت.

اعطای نشان به خارجیان از جانب مظفرالدین‌شاه به‌ویژه در سفرهای اروپایی او را می‌توان دستاویزی برای جلب نظر موافق دولت مردان اروپایی به‌شمار آورد که در نهایت به بی‌ضابطه‌شدن و افراط در اهدای نشان منجر شد. نبود ضابطه در اعطای نشان به‌ویژه اعطای بیش از حد متعارف و معمول آن توسط مظفرالدین‌شاه از مهم‌ترین آسیب‌های اعطای نشان



در این دوره محسوب می شود. بی ضابطه بودن اعطای نشان های ایران و در نتیجه کاهش اعتبار آنها در مجامع اروپایی حتی نگاه برخی از اصحاب مطبوعات خارجی را هم به خود معطوف ساخت. در مجموع، در سال های پایانی حکومت مظفرالدین شاه به دلیل نبود ضابطه در اعطای نشان، اعطای نشان بیش از حد متعارف، و هم چنین آشفتگی اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران اعتبار نشان های ایرانی در محافل اروپایی تنزل یافت.

منبع

اسناد

اسناد منتشر نشده

(اسناد آرشیو وزارت امور خارجه (استادوخ)

سال ۱۲۸۳ ش، کارتن ۱۲، پرونده ۷، اسناد شماره ۲؛ ۳؛ ۳/۱.

سال ۱۳۱۷ ق، کارتن ۱۹، پرونده ۴، سند شماره ۶.

سال ۱۳۱۸ ق، کارتن ۴، پرونده ۲، سند شماره ۴۱.

سال ۱۳۱۸ ق، کارتن ۴، پرونده ۵، اسناد شماره ۱۱۷؛ ۱۵۱.

سال ۱۳۱۸ ق، کارتن ۴، پرونده ۶، سند شماره ۱۶۲.

سال ۱۳۱۸ ق، کارتن ۶، پرونده ۱۴، اسناد شماره ۳؛ ۳۵؛ ۱۳۱.

سال ۱۳۱۸ ق، کارتن ۷، پرونده ۲۲، سند شماره ۲۱.

سال ۱۳۱۸ ق، کارتن ۳۰، پرونده ۵، اسناد شماره ۱۰؛ ۱۱؛ ۱۲؛ ۲۳؛ ۲۵؛ ۳۸.

سال ۱۳۲۰ ق، کارتن ۸، پرونده ۱۰، سند شماره ۵۱/۲.

سال ۱۳۲۰ ق، کارتن ۱۹، پرونده ۲۵، شماره سند ۷۱.

سال ۱۳۲۱ ق، کارتن ۱۰، پرونده ۱۶، سند شماره ۵۰.

سال ۱۳۲۳ ق، کارتن ۴، پرونده ۲، اسناد شماره ۳۷؛ ۳۹؛ ۴۱؛ ۵۲.

سال ۱۳۲۳ ق، کارتن ۲۰، پرونده ۱۰، اسناد شماره ۶۸؛ ۶۹.

سال ۱۳۲۴ ق، کارتن ۹، پرونده ۶/۱.

سال ۱۳۲۵ ق، کارتن ۷، پرونده ۱، سند شماره ۱۰۱.

سال ۱۳۲۵ ق، کارتن ۹، پرونده ۳، سند شماره ۱۵۱.

سال ۱۳۲۹ ق، کارتن ۴۷، پرونده ۴، سند شماره ۱۰.

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما

۲۹۶/۲۳۲۱۶؛ ۲۹۶/۴۵۱۱؛ ۲۹۶/۲۶۷۵۵؛ ۲۹۶/۰۲۲۶۷۵؛ ۲۹۳/۴۳۵۸؛ ۲۹۰/۱۴۷۳؛ ۲۳۲/۲۱۵۰؛ ۹۵/۲۹۶/۹۹۴

۹۹۷/۲۳۹؛ ۲۹۸/۰۸۳۲۷۳؛ ۲۹۶/۶۶۱۸؛ ۲۹۶/۲۶۷۵۵؛ ۲۹۶/۲۴۲۴۲



کتاب

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (بی تا). *المآثر والآثار*. بی جا: انتشارات سنائیا اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۲۵۳۶). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: امیرکبیرامین الدوله، میرزاعلی خان. (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی امین الدوله*. (حافظ فرمانفرمائیان، کوشش گر). تهران: امیرکبیرین تان، آگوست. (۱۳۵۴). *سفرنامه آگوست بن تاوون*. (منصوره اتحادیه (نظام مافی)، مترجم). تهران: چاپخانه سپهریانی. خان بابا. (۱۳۷۵). *پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری: چهره و سیمای راستین ناصرالدین شاه*. (ج ۳). بی جا: نشر علمدالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. (علی محمد فرهوشی، مترجم). تهران: امیرکبیردهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۶). *لغت نامه*. (ج ۹). تهران: دانشگاه تهران دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت نامه*. (ج ۴۴ و ۴۸). تهران: دانشگاه تهران صدیق الممالک، میرزا ابراهیم شبیانی. (۱۳۶۶). *منتخب التواریخ*. تهران: انتشارات محمدعلی علمی عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. (ج ۱). (مسعود سالور و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: اساطیر کسروی تبریزی، احمد. (۲۵۳۶). *تاریخچه شیر و خورشید*. بی جا: رشدیه کمبل، سر جان. (۱۳۸۴). *دو سال آخر: یادداشت های روزانه سر جان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران*. (ج ۱). (ابراهیم تیموری، کوشش گر). تهران: دانشگاه تهران مالکوم، سر جان. (۱۳۶۲). *تاریخ ایران*. (اسماعیل حیرت، مترجم). تهران: فرهنگ سرا (یساولی) مراغه‌ای، زین العابدین. (۱۳۶۴). *سیاحت نامه ابراهیم بیگ*. (محمدعلی سپانلو، کوشش گر). تهران: اسفارمستوفی، عبدالله. (۱۳۷۷). *شرح زندگانی من*. (ج ۱). (ج ۴). تهران: انتشارات زوار مظفرالدین شاه قاجار. (۱۳۶۱). *سفرنامه مبارکه مظفرالدین شاه به فرنگ*. (ج ۲). (میرزامهدی خان کاشانی، محرر؛ علی دهباشی، کوشش گر). تهران: کتاب فرزانه مظفرالدین شاه قاجار. (۱۳۶۲). *دومین سفرنامه مظفرالدین شاه به فرنگ*. (فخرالملک، محرر). تهران: انتشارات کاوش مظفرالدین شاه قاجار. (۱۳۹۰). *سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ*. (محمدنادر نصیری مقدم، کوشش گر). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. (ج ۱). تهران: امیرکبیرناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۴۳). *سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار*. بی جا: انتشارات اندیشه نفیسی، سعید. (۱۳۲۸). *درفش ایران و شیر و خورشید*. تهران: چاپ رنگین هدایت، مهدی قلی خان. (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات*. (ج ۲). تهران: کتاب فروشی زوار

مقاله

رابینو، ه. ل. (۱۳۸۰). «نشان‌های دوران قاجاریه». (فیروز توفیق، مترجم). *بخارا*، آذر و اسفند ۱۳۸۰، ش ۲۱ و ۲۲، صص ۳۴۳-۳۴۷ شهیدی، یحیی. (۱۳۵۰). «نشان‌های دوره قاجار». *بررسی های تاریخی*، مرداد و شهریور ۱۳۵۰، سال ششم، ش ۳، صص ۱۸۳-۲۴۰ مشیری، محمد. (۱۳۵۰). «نشان‌ها و مدال‌های



ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز». *بررسی های تاریخی*، بهمن و اسفند ۱۳۵۰، سال ششم، ش ۶،
صص ۱۸۵-۲۲۰

مصاحبه

آون، دومینیک. (۲۸ خرداد ۱۳۹۸). محل مصاحبه: شهر نانت فرانسه، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده
مقاله تولن، جان. (۲۸ خرداد ۱۳۹۸). محل مصاحبه: شهر نانت فرانسه، محل نگهداری: آرشیو شخصی
نویسنده

مقاله

منابع لاتین

D' Hulster, Kristof. (2003). The sojourn of Nasir al-Din Shah Qajar in Belgium from 13 to 18 June 1873: Fait Diverse or Milestone in Persian History and Persian-Belgian Relations?. *Iranica Selecta. Studies in Honour of Professor Wojciech Skalmowski on the occasion of his seventieth Birthday.* (ed. Alois Van Tongerlo). Turnhout, Belgium: Brepols Publishers.

Paoli, Xavier. (1912). *Leurs majestés.* (5e ed). Paris: Paul Ollendorff.

Rice, Clara C. (1916). *Mary Bird in Persia.* London: Church Missionary society.

English Translation of References

Documents

Unpublished documents

Asnād-e Ārshiv-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

Year 1283 SH / 1904 AD, Box 12, Folder 7, Document numbers: 2; 3; 3/1.

Year 1317 AH / 1900 AD, Box 19, Folder 4, Document number: 6.

Year 1318 AH / 1901 AD, Box 4, Folder 2, Document number: 41.

Year 1318 AH / 1901 AD, Box 4, Folder 5, Document numbers: 117; 151.

Year 1318 AH / 1901 AD, Box 4, Folder 6, Document number: 162.

Year 1318 AH / 1901 AD, Box 6, Folder 14, Document numbers: 3; 35; 131.

Year 1318 AH / 1901 AD, Box 7, Folder 22, Document number: 21.



Year 1318 AH / 1901 AD, Box 30, Folder 5, Document numbers: 10; 11; 12; 23; 25; 38.

Year 1320 AH / 1903 AD, Box 8, Folder 10, Document number: 51/2.

Year 1320 AH / 1903 AD, Box 19, Folder 25, Document number: 71.

Year 1321 AH / 1904 AD, Box 10, Folder 16, Document number: 50.

Year 1323 AH / 1906 AD, Box 4, Folder 2, Document numbers: 37; 39; 41; 52.

Year 1323 AH / 1906 AD, Box 20, Folder 10, Document numbers: 68; 69.

Year 1324 AH / 1907 AD, Box 9, Folder 6/1.

Year 1325 AH / 1908 AD, Box 7, Folder 1, Document number: 101.

Year 1325 AH / 1908 AD, Box 9, Folder 3, Document number: 151.

Year 1329 AH / 1911 AD, Box 47, Folder 4, Document number: 10. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):

95/296/994; 232/2150; 290/1473; 293/4358; 296/022675; 296/26755; 296/4511;
296/23216; 296/24242; 296/26755; 296/6618; 298/083273; 997/239. [Persian]

Books

Amin Al-Dowleh, Mirza Ali Khan. (1370/1991). "*Xāterāt-e siāsi-ye Amin od-Dowleh*" (Political memoirs of Amin al-Dowleh). Edited by Hafez Farmanfarmaeeyan. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Bayani, Khan Baba. (1375/1996). "*Panjāh sāl tārix-e Irān dar dowre-ye Nāseri: āehreh va simā-ye rāstin-e Nāser ed-Din Šāh*" (Fifty years of Iranian history in the Naseri period: The true face of Naser al-Din Shah) (vol. 3). (n. p.): Našr-e 'Elm. [Persian]

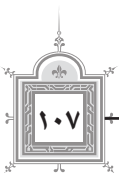
Bontemps, Charles Auguste. (1354/1975). "*Safarnāme-ye āgošt Bontāwn*" (Voyage en Turqiu et en Perse) [Travelling to Turkey and Persia]. Translated by Mansoureh Ettehadieh (Nezam Mafi). Tehran: Čāpxāne-ye Sepehr. [Persian]

Campbell, Sir John. (1384/2005). "*Do sāl-e āxar: Yāddāšt-hā-ye Ser Jān Kambel namāyande-ye Engelis dar darbār-e Irān*" (The last two years: The diaries of Sir John N.R. Campbell, British envoy to the court of Persia 1833 - 1834) (vol. 1). Edited by Ebrahim Teymouri. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran).



[Persian]

- D'Allemagne, Henry Rene. (1335/1956). "*Safarnāme-ye az Xorāsān tā Baxtiāri*" (Du Khorassan au pays des Backhtiaris: Trois mois de voyage en Perse) [From Khorassan to the land of the Backhtiaris: Three months of travel in Persia]. Translated by Ali Mohammad Farahvashi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1373/1994). "*Loqat-nāme*" (Dehkhoda Dictionary) (vol. 9). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1373/1994). "*Loqat-nāme*" (Dehkhoda Dictionary) (vol. 44 & 48). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- E'temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (n. d.). "*Al-ma'āser-o val-āsār*" (Exploits and monuments). (n. p.): Enteshārāt-e Sanā'ee. [Persian]
- E'temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1377/1998). "*Ruznāme-ye xāterāt-e E'temād os-Saltaneh*" (E'temad Al-Saltaneh's journal of memories) (2nd ed.). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Eyn Al-Saltaneh, Ghahreman Mirza Salour. (1374/1995). "*Ruznāme-ye xāterāt-e Eyn os-Saltaneh*" (Journal of Eyn Al-Saltaneh's memoirs) (vol. 1). Edited by Mas'oud Salour and Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Hedayat, Mehdi Gholi Khan. (1344/1965). "*Xāterāt o xatarāt*" (Memries and dangers) (3rd ed.). Tehran: Ketābforuši-ye Zovvār. [Persian]
- Kasravi Tabrizi, Ahmad. (2536/1957). "*Tārixāe-ye šir o xoršid*" (The history of the lion and sun) (20th ed.). (n. p.): Rošdieh. [Persian]
- Malcolm, Sir John. (1380/2001). "*Tārix-e Irān*" (The history of Persia: From the most early period to the present time). Translated by Esmaeel Heyrat. Tehran: Farhangsarā (Yasāvoli). [Persian]
- Maragheei, Zein Al-Abedin. (1364/1985). "*Siāhatnāme-ye Ebrāhim Beig*" (Ibrahim Beig's Travelogue). Edited by Mohammad Ali Sepanlou. Tehran: Asfār. [Persian]
- Moeen, Mohammad. (1371/1992). "*Farhang-e Fārsi*" (Moin Encyclopedic Dictionary) (vol. 1). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Mostowfi, Hamdollah. (1388/2009). "*Šarh-e zendegāni-ye man*" (The story of my life) (vol. 1) (4th ed.). Tehran: Enteshārāt-e Zovvār. [Persian]



- Mozaffar Al-Din Shah-e Qajar. (1361/1982). “*Safarnāme-ye mobārake-ye Mozaffar ed-Din Šāh be Farang*” (Muzaffar al-Din Shah’s travelogue to Europe) (2nd ed.). edited by Mirza Mahdi Khan Kashani, Moharrer and Ali Dehbashi. Tehran: Ketāb-e Farzān. [Persian]
- Mozaffar Al-Din Shah-e Qajar. (1361/1982). “*Dovvomin safarnāme-ye Mozaffar ed-Din Šāh be Farang*” (Muzaffar al-Din Shah’s second travelogue to Europe). edited by Fakhr Al-Molk. Tehran: Ketāb-e Farzān. [Persian]
- Mozaffar Al-Din Shah-e Qajar. (1361/1982). “*Safarnāme-ye sevvom-e Mozaffar ed-Din Šāh be Farang*” (Muzaffar al-Din Shah’s third travelogue to Europe) (2nd ed.). edited Mohammad Nader Nasiri Moghaddam. Tehran: Ketābxāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Nafisi, Saeed. (1328/1949). “*Derafš-e Irān va šir o xoršid*” (Iranian flag and the lion and sun). Tehran: Čāp-e Rangin. [Persian]
- Naser Al-Din Shah-e Qajar. (1343/1964). “*Safarnāme-ye Naser ed-Din Šāh-e Qājār*” (Travelogue of Nasser al-Din Shah Qajar). (n. p.): Enrešārāt-e Andišeh. [Persian]
- Paoli, Xavier. (1912). *Leurs majestés* (5th ed.). Paris: Paul Ollendorff.
- Rice, Clara C. (1916). *Mary Bird in Persia*. London: Church Missionary society.
- Sediq Al-Mamalek, Mirza Ebrahim Sheibani. (1366/1987). “*Montaxab ot-tavārix*” (The selection of histories). Tehran: Mohammad Ali ‘Elmi. [Persian]

Articles

- D’ Hulster, Kristof. (2003). The sojourn of Nasir al-Din Shah Qajar in Belgium from 13 to 18 June 1873: Fait Diverse or Milestone in Persian History and Persian-Belgian Relations?. Iranica Selecta. In Alois Van Tongerlo (Ed.), *Studies in honor of Professor Wojciech Skalmowski on the occasion of his seventieth Birthday*. Turnhout, Belgium: Brepols Publishers.
- Moshiri, Mohammad. (1350/1972). “Nešān-hā va medal-hā-ye Irān az āqāz-e saltanat-e Qājārieh tā emruz” (Iranian badges and medals from the beginning of the Qajar dynasty until today). *Barresi-hā-ye Tārixī*, Bahman & Esfand 1350 (February &



March 1972), 6th year, issue number 6, pp. 185-220. [Persian]

Rabino, H. L. (1380/2001). "Nešān-hā-ye dowrān-e Qājārieh" (Médailles des Qadjars mogador) [Qajar Mogador medals]. Translated by Firouz Towfigh. *Boxārā*, āzar & Esfand 1380 (December 2001 & March 2002), issue numbers 21 & 22, pp. 343-347. [Persian]

Shahidi, Yahya. (1350/1971). "Nešān-hā-ye dowre-ye Qājār" (Medals in the Qajar period). *Barresi-hā-ye Tārixī*, Mordād & Šahrivar 1350 (August & September 1971), 6th year, issue number 3, pp. 183-240. [Persian]

Interviews

Avon, Dominic. (28 Xordād 1398 / 18 June 2019). Place of interview: Nantes, France.

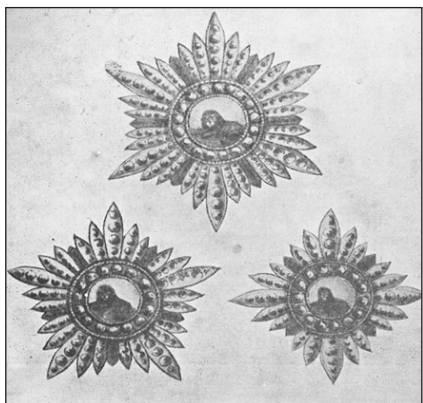
Retrieved from: Personal archive of the author of the article. [Persian]

Tullen, John. (28 Xordād 1398 / 18 June 2019). Place of interview: Nantes, France. Re-

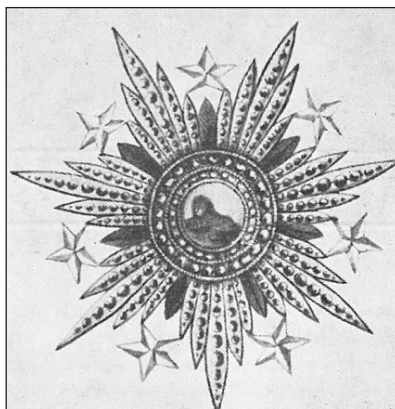
trieved from: Personal archive of the author of the article. [Persian]



پیوست‌ها پیوست شماره ۱



۲



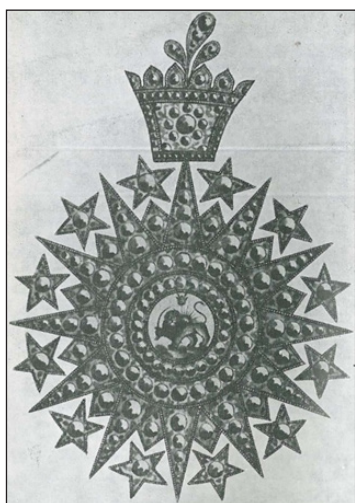
۱

شکل ۱

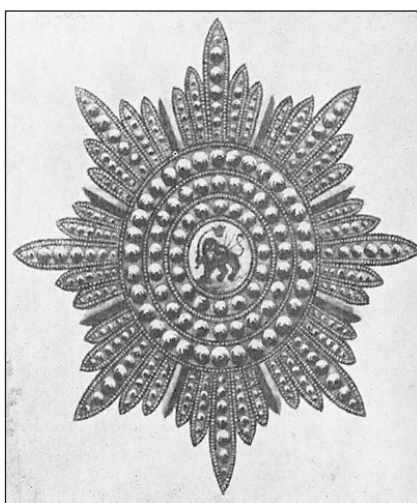
نشان شیروخورشید مخصوص خارجیان
درجه ۲ به عرض ۸/۵ سانتی‌متر

شکل ۲

نشان شیروخورشید مخصوص خارجیان
الف. درجه ۳ (بالایی) به عرض ۷ سانتی‌متر
ب. درجه ۴ (سمت چپ) به عرض ۶ و ۸
سانتی‌متر
ج. درجه ۵ (سمت راست) به عرض ۵ و
۶ سانتی‌متر



۴



۳

شکل ۳

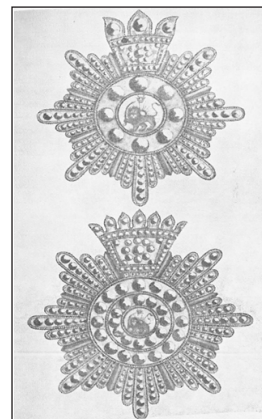
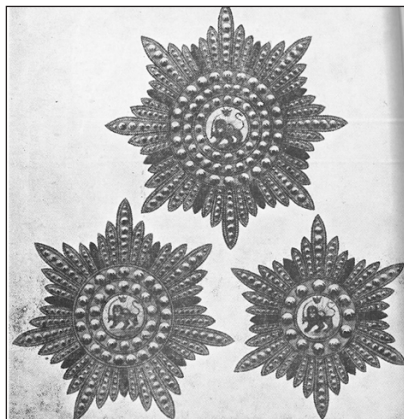
نشان شیروخورشید مخصوص خارجیان،
درجه یک

شکل ۴

نشان شیروخورشید، مخصوص خارجیان

شکل ۵

نشان شیروخورشید نوع اول
الف. نشان درجه ۲ به قطر ۹ سانتی متر
ب. نشان درجه ۳ به قطر ۸/۲ سانتی متر

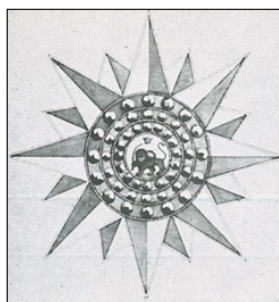


شکل ۶

نشان شیروخورشید نوع دوم، به ترتیب ارشدیت:
الف. نشان بالا: درجه ۱
(قطر ۹/۵ سانتی متر)
ب. نشان سمت چپ: درجه ۲
(عرض ۸/۵ سانتی متر)
ج. نشان سمت راست: درجه ۳
(عرض ۷ سانتی متر)

۶

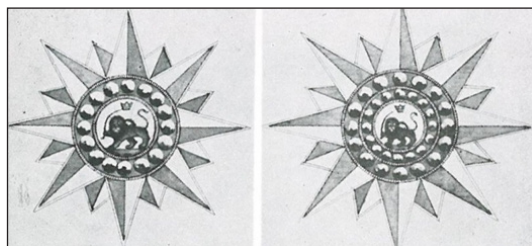
۵



نشان درجه ۱

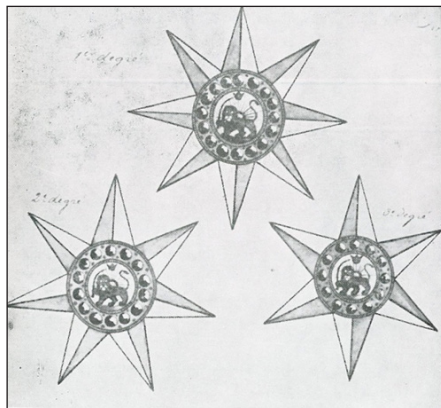
شکل ۷

نشان شیروخورشید نوع سوم به ترتیب
ارشدیت از بالا به پایین

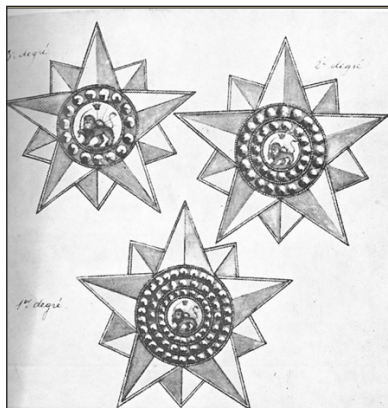


درجه ۳

درجه ۲



۹



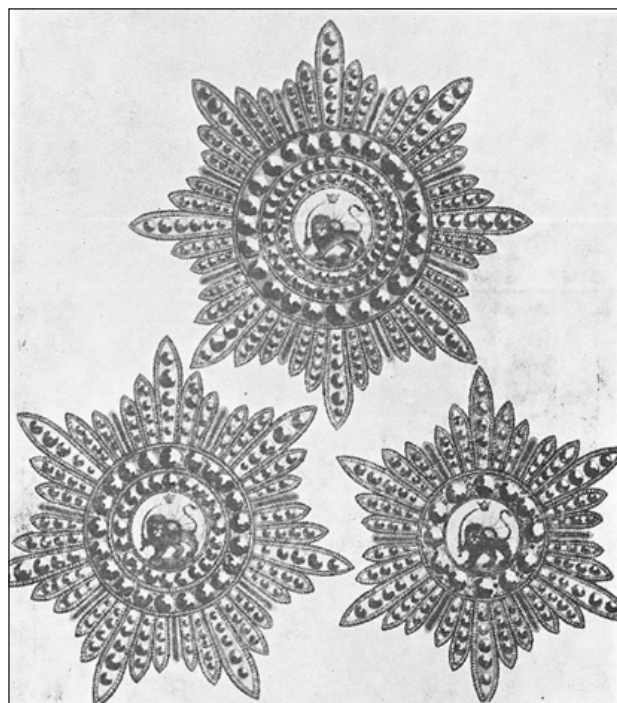
۸

شکل ۸

نشان شیروخورشید، نوع چهارم
الف. درجه ۱ عرض $7/3$ سانتی متر
ب. درجه ۲ عرض ۷ سانتی متر
ج. درجه ۳ عرض ۶ سانتی متر

شکل ۹

نشان شیروخورشید، نوع پنجم به ترتیب ارشدیت:
الف. درجه ۱: (قطر $7/3$ سانتی متر)
ب. درجه ۲: (عرض ۷ سانتی متر)
ج. درجه ۳: (عرض ۶ سانتی متر)

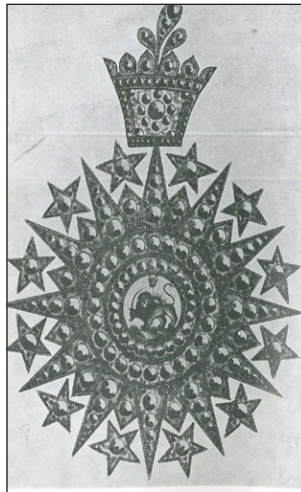


شکل ۱۰

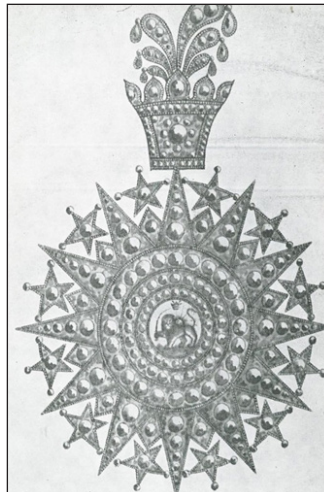
نشان شیروخورشید نشان بری میرینجی:
الف. درجه ۱: (نشان بالا) به قطر $9/5$ سانتی متر
ب. درجه ۲: (سمت چپ) به عرض $7/5$ سانتی متر
ج. درجه ۳: (سمت راست) به عرض ۷ سانتی متر

شکل ۱۱

نشان اقدس به قطر ۱۲/۵ سانتی متر و
طول ۱۸/۵ سانتی متر



۱۲



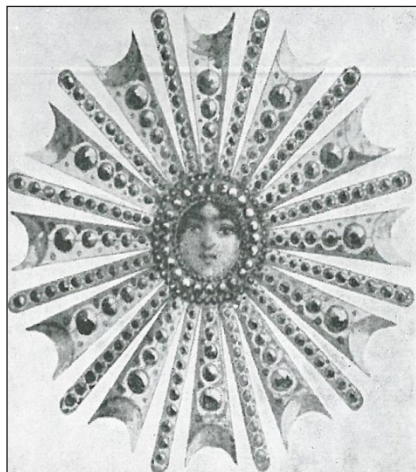
۱۱

شکل ۱۲

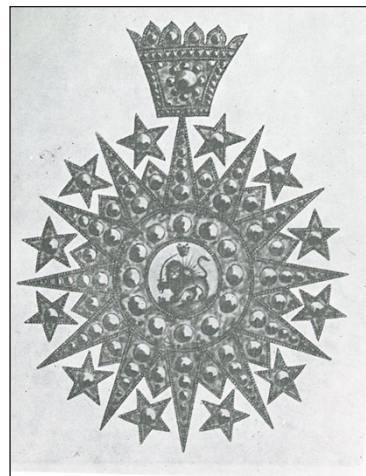
نشان قدس به قطر ۱۲ سانتی متر و طول
۱۷ سانتی متر

شکل ۱۳

نشان مقدس
قطر ۱۰/۲ سانتی متر
طول ۱۳/۳ سانتی متر



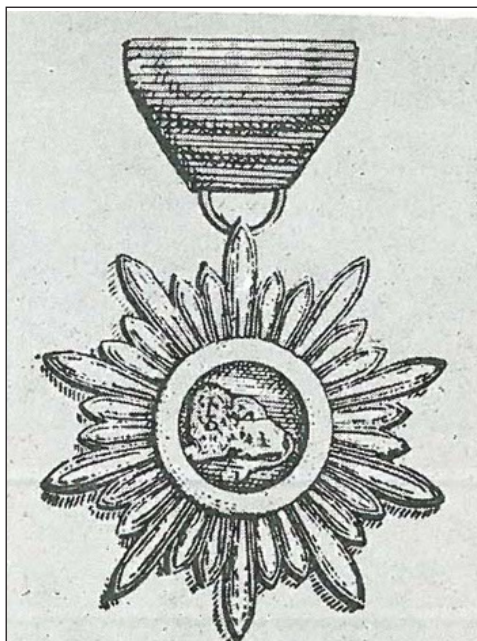
۱۴



۱۳

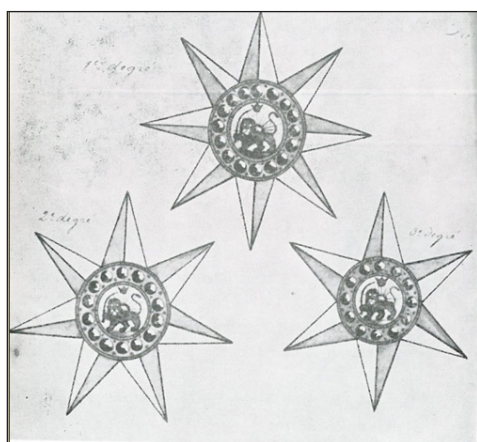
شکل ۱۴

نشان آفتاب (به قطر ۹ سانتی متر)
مخصوص بانوان تاجدار و شاهزاده خانمها و بانویی که
خدمت نمایانی به دولت ایران کرده باشد.



شکل ۱۵

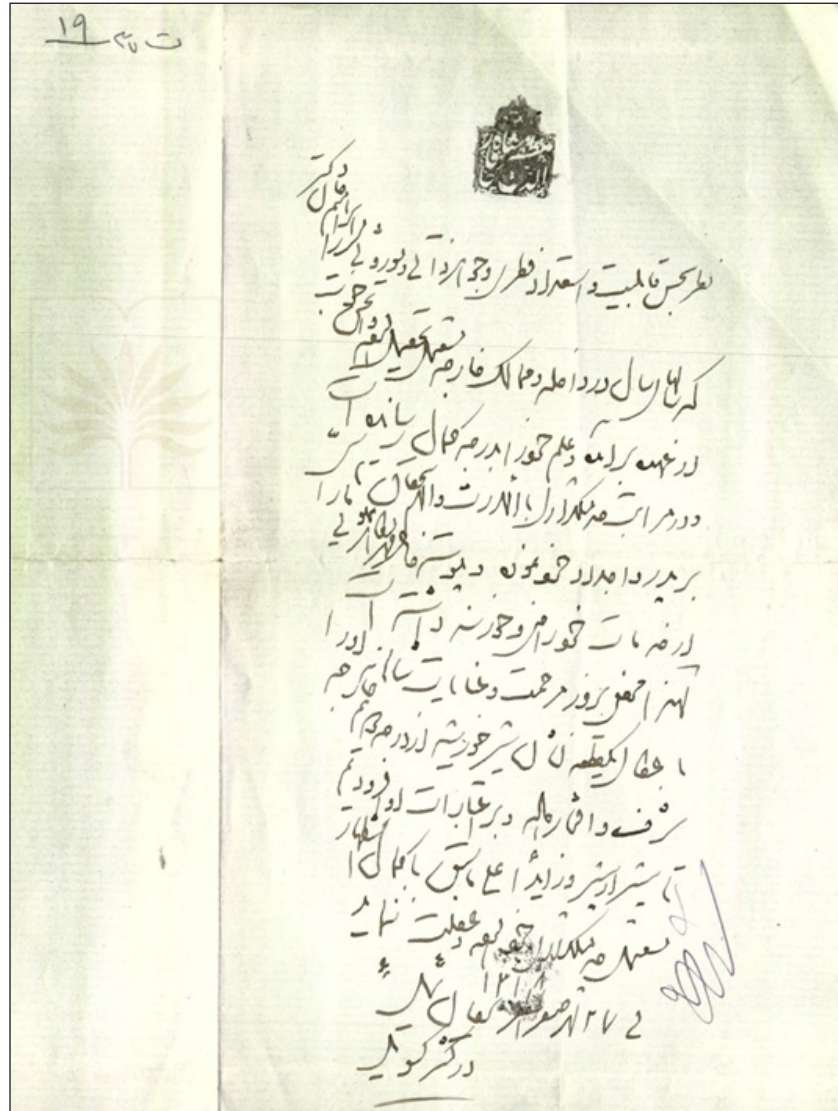
نشان علمی (طلا یا مطلا یا نقره)



شکل ۱۶

نشان علمی (طلا یا مطلا یا نقره)


مأخذ تصاویر: (شهیدی، ۱۳۵۰، صص ۱۹۳-۲۳۷)



شکل ۱۷

فرمان اعطای نشان شیر و خورشید
درجه دوم خارجه از طرف مظفرالدین شاه
قاجار به ابراهیم حکیمی (حکیم الممالک)،
(ساکه، ۱۸/۶۶/۲۹۶).

پیوست شماره ۳



A NOS CONFRÈRES

Afin que l'Œuvre du Jubilé à l'occasion du Centenaire de l'Ordre National de la Légion d'Honneur puisse être complet à la date fixée, nous, soussignés, Légionnaires de tous grades, nous permettons de prier avec instance nos confrères de l'Ordre qui n'ont pas encore envoyé leur photographie, de réparer ce retard le plus rapidement possible en adressant les leurs à M. le D^r J.-H. SIMONSIENS
Paris, Octobre 1902.

Ed. Sain 80, r. Talbot.	J. L. Fleury 10, r. Lédese.	S. Duplay 70, r. Jouffroy.	J. Cheylas 17, avenue Nef.	L. Nicolas 186, rue Rivoli.	J. B. J. Olive 57, r. Nollet.
A. Raynaud 11, pl. Madeleine.	Alp. Legros 69, Bd St-Germain.	A. Rey 18, r. Michodière.	G. Salvayre 99, r. Nivernais.	P. M. Termier 164, r. Vaugirard.	Em. Bruyer 10, r. Colisée.
A. Millardet 31, r. Saubot.	P. Marcout 13 r. Églatière.	Xavier Rogé Villa St-Marie.	Alf. Riom 3, rue Dubert.	P. Mandeville 1, rue Racine.	J. Martin 22, r. du Past.
E. D. Delignières 3, r. Grès-Écotes.	A. Dollfus 23, Boul. Italiens.	E. Rabourdin 6, quai Châtelet.	A. Thomas 28, r. Châteauneuf.	P. Garroute 20, r. Diderot.	P. Rouget 21, rue Mirabeau.

Monsieur le Docteur J. H. SIMONSIENS,
Sous ce pli, je vous adresse ma photographie pour être comprise dans les groupes du Jubilé à l'occasion du Centenaire de l'Ordre National de la Légion d'Honneur et m'inscrire pour un exemplaire.

LÉGIION D'HONNEUR

S. A. Impér. et Roy. prince Zellé Sultans	Khalil Khan Méd. de S. M. le Schah	Aboul Kassen Kan Nasserul Mouk Ex-Ministre
Mz. Moham. Kan de Ghaffary Eghbal ed dovlet Ministre	G^r Mz. Abd. Kan Mohakkeked dauleh Direct. de l'École des Sciences	
Prince Amanollah Mirza Général	Mz. Mohem. Khan Sodighé Hazrat Premier drogman	Mz. Nassrollah Khan Mochir od. Ministre
S. E. S. Kurino Ministre plénipot.	Campei Harada Ingénieur	Takékichi Matsunaga Colonel
Phya Schavaja Tejo Général major	D^r E. F. Reyter Médecin de S. M.	Luang Ridhi Grand Ecuier
Touppiland E. Ch. E. Maillac Général	Bassot Général	Baron Kirgener de Pianke Général
Harel Comte de Montmarie Général de brig.	Verrier Général	Victor A. Patit Lieutenant-colonel
L. Cochinaré D. S. Giuliani Capit. adj. major	Boutan Colonel	De Fontenillat Colonel
Narq. de Monsspy Canton Colonel	A. Bourgoignon Capit. adj. major	Dr. E. Atgier Médecin-maj. de 1 ^{re} cl.
		A. Danger Major
		Raynal Médecin-maj. de 1 ^{re} cl.
		Mereau de Ballaing Lieutenant-colonel
		Ch. de Malherbe Colonel
		T. Gérard Général de brig.
		E. A. Delaperrière Intendant général
		H. de Sully Général
		G. Perruchon Colonel
		Mayer V. Bohler Cap. adj. major
		Jean Bertet Major

(Voilà, étant que l'œuvre le permet, les premiers adhésions des nationalités asiatiques, d'être faites dans lequel elles sont parvenues journellement, et en peut espérer, en effet, que personne dont la position pour le titre de "Bonneur et Patrie" ne manquera à l'appel ci-dessus, urgent et obligatoire.)

Monsieur, Paris, le 8 Novembre 1902.

Aux épreuves des tableaux du Jubilé à l'occasion du Centenaire de l'Ordre National de la Légion d'Honneur, la place réservée pour le portrait de Monsieur *Aboul-Kassen Kan Nasserul Mouk* en sa qualité de *O. G.*, reste toujours blanche et vide.

C'est pourquoi vous êtes instamment prié de l'envoyer par retour du courrier, sans faute.

L'éditeur soussigné, et naturellement encore plus vos confrères et connaissances, regretteraient beaucoup s'ils devaient se passer de votre image.

Nous référant à l'appel urgent ci-dessus de vos confrères, les Légionnaires Français, nous vous prions donc, une fois de plus, de ne pas plus hésiter que vos illustres compatriotes et connaissances décorés, à participer à la glorification de cet Ordre National, l'orgueil légitime de la France, amie de votre beau pays.

Dr. J. H. Simonsiens

شکل ۱۸

فرمان اعطای نشان لژیون دونور فرانسه به یکی از اتباع ایران در زمان مظفرالدین شاه قاجار (ساگما، ۲۶۷۵۵/۲۹۶)

